

The Politics of Friendship in the Political Thought of Imam Khomeini

Tahereh Sharif¹ Ebrahim Barzegar² Mohamadbagher Khoramshad³
Nafisehsadat Ghaderi⁴

Date of Received: 2023/05/08

Date of Acceptance: 2023/09/18

Abstract

The politics of friendship comes directly from discussing the conditions of human beings with one another. Living and communicating with others is important and undeniable based on human social nature. Now a day, with the expansion of private space, as opposed to the narrowing of the circle of human common space, friendships have faded. The issue of violence and enmity in the Islamic world has gained particular prominence with the rise of jihadi takfiri groups, as often theorized and elaborated by scientific and academic research. However, the issue of friendship, which is otherwise a political issue from Schmidt's point of view, has been less addressed, especially in domestic research and especially in political philosophy. Contemporary Muslims have not been followed. Therefore, the present study seeks to discover indicators of friendship in the political thought of Imam Khomeini as a contemporary Muslim thinker and

1. PH.D Candidate in Political Science, Department of Theology and Political science, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
t.sharif1385@gmail.com

2. Professor, Department of Political Science and Law, Allame Tabatabaei University, Invited professor in Department of Theology and Political Science, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (responding Author) , barzegar@atu.ac.ir

3. Professor, Department of political science and law. Allame Tabatabaei University, Invited professor in Department of Theology and Political Science, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mb.khoramshad@gmail.com

4. Assistant professor, Department of Theology and Political science, Faculty of Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. ghaderinafise@yahoo.com

 Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA...



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراستد العالم الاسلامی

leader of the Islamic Revolution based on the theories of Hanna Arendt and Jacques Derrida (with emphasis and adjustment). To accomplish this, it is important to use the approach Schleiermacher's hermeneutics used qualitative content analysis, indentation and inference method. On this basis, the main question of the research is "How does the concept of friendship in Imam Khomeini's thought make sense of politics and politics in the Islamic world?" and its hypothesis is that categories such as vows and covenants, power, acceptance of differences, acceptance of differences, acceptance The other is that forgiveness, responsible friendship, and negative self-negation are decisive in the form of friendship politics in their thinking system.

Keywords: Friendship politics, Derrida, Arendt, Imam Khomeini, Fahmi politics, policy making, identity, tolerance



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۲۶

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

سیاست دوستی در اندیشه سیاسی امام خمینی

طاهره شریف^۱ابراهیم برزگر^۲محمدباقر خرمشاد^۳نقیسه سادات قادری^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۸

چکیده

سیاست دوستی مستقیماً از بحث درباره شرایط زیست انسان ها با یکدیگر سرچشمه می گیرد. زندگی و ارتباط با دیگران بر اساس سرشت اجتماعی انسان امری مهم و غیر قابل انکار است. امروزه با گسترش فضای خصوصی، در مقابل تنگ شدن دایره فضای مشترک انسان ها، دوستی ها رفته رفته کم رنگ شده اند. مسئله وارگی خشونت و دشمنی در جهان اسلام با سربرآوردن گروه های تکفیری جهادی وجه خاصی پیدا کرده است، به طوریکه اغلب پژوهش های علمی و دانشگاهی آن را تنویر کرده و بسط داده اند. اما به مسئله دوستی که وجه دیگر امر سیاسی از نظر اشمیت است، کمتر پرداخته شده است. بویژه این مقوله در پژوهش های داخلی و به طور خاص تر در فلسفه سیاسی متفکران مسلمان معاصر پیگیری نشده است. لذا پژوهش حاضر در صدد کشف شاخص های دوستی در اندیشه سیاسی امام خمینی به عنوان متفکر مسلمان معاصر و رهبر انقلاب اسلامی بر اساس نظریات هانا آرنت و ژاک دریدا (با جرح و تعدیل) است. این نوشتار از رویکرد هرمنوتیکی شلایرماخر، روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل محتوای رندانه و روش استقطاق بهره برده است. بر این مبنا سوال اصلی پژوهش این است که «مفهوم دوستی در اندیشه امام خمینی در سیاست داخلی و سیاست جهان اسلام چگونه سیاست سازی و سیاست فهمی می کند؟» و فرضیه آن است که شاخصه هایی مانند عهد و پیمان، قدرت، پذیرش تفاوت ها، پذیرش دیگری، بخشش، دوستی مسئولانه و نفی خود منفی در صورتبندی سیاست دوستی در منظومه فکری ایشان تعیین کننده است.

واژه های کلیدی: سیاست دوستی، دریدا، آرنت، امام خمینی، سیاست فهمی، سیاست سازی، هویت، مدارا

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. t.sharif1385@gmail.com

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد مدعو واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) barzegar.2010@yahoo.com

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، استاد مدعو واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mb.khorramshad@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ghaderinafise@yahoo.com

Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

دوستی مدنی در دنیای امروز یک فضیلت کم رنگ شده است. در قرن حاضر با محوریت انسان و غلبه فردیت پیوندهای ملی، اجتماعی خدشه دار شده و موجب ذره ای و اتمیزه شدن جامعه شده است. در جهان اسلام با تولد الهیات تکفیری، وهابیت و داعشی گری، تنش ها و عملیات های انتحاری تصویر جهانی و رحمانی تمدن اسلامی را به زیر کشانده است. مکاتب تکفیری-جهادی منطقه غرب آسیا را به نام جهاد صحنه و تجلی دوزخ زمینی نموده اند و فضای منطقه را نا آرام و نا امن نموده اند. بر این اساس تئوری های درگیری و جنگ برای ما بیشتر شناخته شده، جنگ و خشونت بیشتر شرح و بسط یافته است.

در جوامع متجدد اسلامی مانند ایران ظهورایدئولوژی ها و مکاتب غربی فراگیر با محوریت فرد-فرد انسان سبب از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی و تنها شدن انسان اجتماعی شده است. انسان نیازمند رابطه با دیگران است، تا در پرتو این رابطه کمبودها و خلاءهایی که خود به تنهایی نمی تواند پر کند به واسطه دیگری جبران نماید. یک سنت فرهنگی یا به بیان بهتر هویت مشترک فرهنگی که مدت های دراز ملت ایران را در کنار یکدیگر نگه داشته بود، اکنون با چالش مواجه شده است. بروزکنش های خشونت آمیز به دلیل فاصله گرفتن از اصول و مبانی اسلامی و رنگ باختن اصول اخلاقی است. تحولات پاییز ۱۴۰۱ گویای متزلزل شدن همبستگی های ملی، قومی و حتی مذهبی است. لذا مسئله چالش امروز ایران و جهان اسلام، توجه بیش از اندازه به تخصص و درگیری، تئوریزه و دستگاهمند شدن دشمنی بیش از دوستی است. امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب ایران و رهبر جهان اسلام با نبوغ خود توانست در رویارویی مدرنیته و سنت اسلام را روز آمد سازی کرده و در مبانی فکری ایرانیان تحول ایجاد کند. ایشان را می توان آغازگر عصری دانست که توانست مباحث سیاسی-اجتماعی شیعه و حتی جهان اسلام، هم در مقام نظر و هم در مقام عمل به شکوفایی تازه ای برساند. بنابراین بازخوانی فلسفه سیاسی ایشان، استخراج و اکتشاف دیدگاه های وی در باب سیاست دوستی، می تواند اثرگذاری چشمگیری در فضای سیاستگذاری در ایران و جهان اسلام داشته باشد. بر این اساس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که «مفهوم دوستی در اندیشه امام خمینی در سیاست داخلی و سیاست جهان اسلام چگونه سیاست سازی و سیاست فهمی می کند؟» و فرضیه آن است که شاخصه هایی مانند «عهد و پیمان، قدرت، پذیرش تفاوت ها، پذیرش دیگری، بخشش، دوستی مسئولانه و نفی خودمنفی در صورت تبدی سیاست دوستی در منظومه فکری ایشان تعیین کننده است.» مفروض پژوهش این است که کافران حربی، استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی در دستگاه فکری امام خمینی مشمول سیاست دوستی نمی شوند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام



در زمینه دوستی پژوهش های متعددی صورت گرفته است. در ادبیات سیاسی غرب این مقوله به صورت تئوریزه شده و منسجم وجود دارد. مهمترین اثر در اثبات این مدعا کتاب اخلاق نیکوماخوس ارسطو در دوره کلاسیک اندیشه سیاسی غرب و سیاست دوستی ژاک دریدا در قرن حاضر می باشد. اثر مهم دیگر که به زبان فارسی ترجمه شده کتاب دوستی در تاریخ اندیشه سیاسی غرب است. این کتاب مجموعه مقالات نویسندگان غربی است که توسط علوی پور و همکاران (۱۳۹۸) در دو جلد ترجمه شده است. منوچهری (۱۳۸۴؛ ۱۳۸۸) به نقل روایت های دوستی در تاریخ اندیشه غرب پرداخته است و علوی پور (۱۳۹۵) نقد دریدا به روایت های دوستی را به رشته تحریر در آورده است. پایان نامه دوستی فکری و همبستگی اجتماعی: بررسی مقایسه ای آرای ژاک دریدا و یورگن هابرماس (عزیزالهی ۱۳۹۶) آرای این دو متفکر غربی را در زمینه دوستی مورد مطالعه و مقایسه قرار داده است. رحمان مرتضوی (۱۳۹۴) به رابطه میان واسازی و دوستی در فلسفه دریدا با شالوده شکنی متافیزیک غربی رازیر سوال برده و سیاست دوستی دریدایی را ترسیم نموده است.

دسته ی دوم پژوهش ها در زمینه دوستی در فلسفه سیاسی اسلام و اندیشمندانی چون فارابی (بحرانی ۱۳۸۰) خواجه نظام الملک و خواجه نصیر (نوریان ۱۳۹۳) و دوستی در فلسفه سیاسی اسلامی (بحرانی و علوی پور ۱۳۹۶). همچنین پایان نامه ارشد به واکاوی مفهوم دوستی در اندیشه سیاسی ابن مسکویه و خواجه نصیر طوسی (بیات سرمدی ۱۴۰۱) را مورد مطالعه قرار داده اند. یکی از جدیدترین پژوهش ها در زمینه سیاست دوستی در ایران سیاست دوستی در دولت های مهرورزی و عدالت (شهیدی ۱۴۰۲) است.

دسته سوم پژوهش ها صرفاً به مطالعه و بررسی مروری اندیشه سیاسی امام خمینی از زوایای گوناگون پرداخته اند. یحیی فوزی (۱۳۸۸) در کتاب خود اندیشه سیاسی امام خمینی را مطالعه کرده و مهمترین نظریه وی یعنی لایت فقیه را مورد بحث و بررسی قرار داده است. بهاری اودلو و شیخ احمد (۱۳۹۴) اندیشه سیاسی امام خمینی را با چارچوب نظری اسپریگنز مطالعه کرده است. پژوهش های دیگر به ابعاد تربیتی اندیشه امام خمینی پرداخته اند (سلحشوری و همکاران ۱۳۹۱). برخی مبانی عرفانی اندیشه وی (مهاجرنیا ۱۳۸۷)، عده ای مبانی هستی شناسی (عروتنی موفق ۱۳۹۵) بعضی مبانی انسان شناسی (میرزایی ۱۳۹۰) و در نهایت روش شناسی و فهم اندیشه سیاسی امام خمینی (عیوضی ۱۳۹۶) را بررسی کرده اند. تعداد قابل توجهی از پژوهش ها به رابطه اخلاق و سیاست در اندیشه امام پرداخته اند. احسانی (۱۳۹۷) انقلاب اسلامی و اخلاق اجتماعی در اندیشه امام خمینی از نظریه تا عمل را بررسی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۳۰

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

کرده است. رهبر و کیانی (۱۳۹۵) پنج شاخصه اخلاقی دراندیشه و عمل امام خمینی را به تحریر درآورده اند. خندان و رکابیان (۱۳۹۷) مولفه های سیاست اخلاقی دراندیشه امام خمینی را با فرض اخلاق تابع سیاست مورد مطالعه قرار داده اند. رضا و نجف لک زایی (۱۳۹۶) نظام اخلاق سیاسی امام خمینی را تحلیل نموده اند. نجمه کیخا (۱۳۹۶) سیاست اخلاقی در اندیشه امام خمینی را مورد بررسی قرار داده است. همچنین وی در مقاله دیگری به رابطه اخلاق و سیاست دراندیشه امام خمینی توجه نموده است. علی اکبر معلم (۱۳۹۳) اخلاق سیاسی امام خمینی را جهت انتقال به نسل سوم انقلاب اسلامی به نگارش درآورده است. با مرور پژوهش های موجود در مقوله سیاست دوستی و فکر سیاسی امام خمینی، واضح است که هیچ پژوهش منسجمی در زمینه دوستی در دستگاه فکری و فلسفی ایشان صورت نگرفته و خلاء پژوهشی این مقوله احساس می شود.

این نوشتار با استخراج شاخصه های دوستی در فلسفه سیاسی هانا آرنت و نظرات ژاک دریدا در کتاب سیاست دوستی و نیز کشف یک شاخص از امام خمینی بر اساس محورهای پذیرش تفاوت ها، پذیرش دیگری، بخشش، دوستی مسئولانه، عهد و پیمان، قدرت، نفی خودمنفی نظام پرسش ها راطراحی کرده است. سپس با استفاده از روش استنتاج، پرسش ها را به متفکر موردی پژوهش عرضه کرده و پاسخ های اخذ شده را با رویکرد تفسیری (هرمنوتیک شلایر ماکر)، روش کیفی و به طور خاص تر تحلیل محتوای رندانه تحلیل نموده است. روش جمع آوری داده ها در این پژوهش اسنادی - کتابخانه ای است.

براین اساس شکاف پژوهش حاضر با پژوهش های پیش از خود اکتشاف شاخصه های سیاست دوستی در منظومه فکری امام خمینی با بهره گیری از الگوی نظری طراحی شده از اندیشمندان معاصر غربی (آرنت و دریدا) است. کشف مولفه های دوستی بر مبنای این سازه نظری دراندیشه امام خمینی نه به عنوان یک متفکر محض بلکه به عنوان سیاستمدار می تواند مبنای سیاستگذاری در ایران و جهان اسلام قرار گیرد.

چارچوب مفهومی و سازه نظری

به طور کلی سیاست دوستی در زمره نظریه های هنجاری قرار می گیرد که به توصیه و تجویز بایدها و نبایدها در سیاست می پردازد. در فلسفه کلاسیک ارسطو دوستی را به مثابه قیدی اخلاقی (هنجاری) می دانست که شهر یا نظام عمومی را به یکدیگر پیوند می زد؛ در عصر مدرن با محوریت یافتن انسان و در پی آن فردیت، فردیت تفکر لیبرالی در مقابل دوستی کلاسیک قرار گرفت و دوستی به دست فراموشی سپرده شد. در دوران معاصر تمامی مباحث به کمک پیشرفت های اخیر در فلسفه غرب و به ویژه بیدار شدن حس

خودانتقادی در درون اندیشه مدرن صورتی جدید و تیزتر به خودگرفت. نیچه، هایدگر، هابرماس، آرنست و دریدا این رویه را پی گرفتند. آرنست و دریدا بر نقش دوستی در دوران معاصر بر خلاف عصر مدرنیته توجه ویژه داشته اند.

اولین گام در جهت فهم جایگاه دوستی در اندیشه‌ها آرنست مفهوم زندگی عمل ورزانه و ارجحیت آن بر زندگی نظرورزانه است. زندگی عمل ورزانه از نظری تلاش برای ساختن زندگی مشترک میان انسان هاست. زندگی عمل ورزانه یا عرصه عمومی در مقابل عرصه خصوصی متأثر از فلسفه یونان شکل گرفته است.

عرصه خصوصی، عرصه پیشاسیاسی و زحمت بود که در کانون آن خانه و خانواده بود. قلمرو عمومی آرنست شامل عرصه سیاسی که در آن کنش و گفتار مطرح بود. اما آرنست فضای سومی تعریف می کند به نام قلمرو اجتماعی که عرصه کار بود. (آرنست ۱۳۹۰: ۱۵۱، ۸۰، ۳۰۵، ۲۳۷) وی کار را عرصه سیاسی در نبود تکرر و دوستی می بیند و بین عمل و نظر پیوند برقرار می کند؛ دوستی را عمل توأم با نظر می داند. آرنست معتقد بود در هر چیزی غایتی است و غایت حضور انسان در زمین دوستی و مهرورزی است. او دوستی را احد وسطی میان انزوا و خودمداری، گفت و گوی درونی و ترس و وحشت عرصه عمومی می دانست. به نظر او دوستی حوزه ای حفاظت شده بود که در آن می شد نظرات را مطرح، اصلاح و تقویت کرد. (رجایی ۱۴۰۱، دایره المعارف بزرگ اسلامی^۱)

به نظر آرنست در زندگی عمل ورزانه، همیشه در عمل نسبتی^۲ برقرار می شود که نوعی آشکارندگی^۳ یا شکل گیری نوعی بینادذهنیت پدیدمی آید که از طریق این آشکارشدن، روابط انسانی، دوستی ها و حوزه عمومی شکل می گیرد. از نظر آرنست فرد در این فضای نمود یا آشکارندگی به چند طریق می تواند با دیگران ارتباط برقرار کند که آن ها نشان دهنده دوستی است. (شکرالهی ۱۴۰۱: ۱۲۹-۱۳۱)

۱- بخشایش^۴: بخشایش شاخصه ای است که در زندگی عمل ورزانه وجود دارد. او بخشایش را درست نقطه مقابل انتقام می داند که در آن نوعی دوستی مستتر است. بخشش به صورت واکنشی نسبت به خطای اولیه و حتی چشم پوشی از آن مطرح می شود و در اثر بخشایش است که عمل ادامه یافته و به این ترتیب نوعی دوستی و عشق در آن دیده می شود. (آرنست ۱۳۹۰: ۳۵۲-۳۵۴)

1. cgie.org
2. relation
3. disclosive
4. Forgiveness



۲- عهد بستن^۱ (قول): آرنت مفهوم عهد بستن را به عنوان مکمل بخشایش برای رهایی از پیش بینی ناپذیری عمل عدم قطعیت مطرح می کند یعنی عنصر قوام دهنده عمل در نظر آرنت قول و پیمان است. عهد بستن به دوستی و عشق بازمی گردد. به این صورت که آرنت عهد بستن یا پیمان رانوعی اخلاق می داند و آن را مستقیماً از خواست همزیستی با دیگران و زیست با دیگران را در زندگی عمل ورزانه محقق می داند. (آرنت، ۱۳۹۰: ۳۵۶-۳۵۷)

۳- قدرت^۲: قدرت از نظر او یک مفهوم فیزیکی نیست. قدرت مدنظر آرنت متاثر از هایدگر به معنای نوعی هستی است. قدرت آن چیزی است که حیطه عمومی انسان هایی که در فضای عمومی با هم عمل می کنند را شکل می دهد و شرط بقای قدرت را «باهم بودن انسان ها برای عمل کردن» می داند. (آرنت، ۱۳۹۰: ۳۰۵-۳۰۷) قدرت فقط در جایی گسترش می یابد که افراد متعددی «به هم پیوندند و با

قول و قرار، عهد و پیمان، بیعت دو جانبه خود را به هم گره بزنند» (آرنت، ۱۹۶۵: ۱۸۱)

۴- وظیفه^۳: از نظر آرنت دوستی لزوماً شامل یکی از بی نظیرترین فضیلت ها بود: وظیفه. برای آرنت، وظیفه نسبت به دوستان یک وسیله ضروری برای تضمین امکان آزادی بود. موضع آرنت بسیار واضح بود: شما نسبت به دوستان خود وظیفه دارید صرف نظر از روابط آنها با یکدیگر. (نیکسون^۴، ۱۶۲: ۲۰۱۵)

تجربه دردناک ژاک دریدا از جنگ جهانی دوم وی را به ردهرگونه نژاد پرستی رهنمون شد. به دلیل نگاه متفاوت دریدا از هم عصران خود و تلاش برای بازاندیشی معنای دوستی با نام «سیاست دوستی» وی به اهمیت روابط انسانی مبتنی بر دوستی در سیاست معتقد است؛ از نظری دوستی قطعاً رابطه با کسی است که من نیست و تفاوت با او شرط لازم و پرهیز ناپذیر دوستی است. (علوی پور ۱۳۸۸: ۵۷) درواقع دریدا به وجود دیگری اذعان می کند و دیگری را همچون من با حقوق و آزادی هایی چون من پذیرامی شود. دریدا با الهام از سنت فکری نیچه به نقد شالوده های روایت دوستی می پردازد و با ارائه ضعف ها و کاستی های مبنایی آن ویژگی های اصیل دوستی را بر می شمارد:

۱- پذیرش تفاوت^۵: در نظریه وی پذیرش تفاوتها اولین شاخصه دوستی است؛ به این معنا که دوستی واقعی با پذیرش تفاوت هاست که تحقق می یابد و به جای تاکید بر مشابهت ها مانند ارسطو پذیرش تفاوتها را حیاتی می داند.

1. Promise
2. Power
3. Duty
4. Nixon
5. difference



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست‌های علمی اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

۲- پذیرش دیگری^۱: دومین شاخصه دوستی دریدایی است؛ بدین معنا که وجود دیگری بدیهی و ناگزیر است؛ آنچه اهمیت دارد نحوه مواجهه ماباد دیگری است؛ نحوه مواجهه نیز در گرو نوع نگاه و بازنمایی دیگری در زندگی ماست از نظر او محور دوستی پذیرش دیگری است، دوستی جا را برای دیگری باز می‌کند و به دیگری خوش آمد می‌گوید (مرتضوی ۱۳۹۶: ۲۹)

۳- آمادگی برای بخشایش^۲ سومین ویژگی است؛ تفکر دریدا در باب سیاست را دوستی، در آن دو شهروند با وجود تفاوت عقایدشان خواهان هم‌صحبتی و نوعی گفت و شنود دائمی با یکدیگر هستند. یکی از نقاط قوت نظریه دریدا بخشایش امر نابخشودنی است، زیرا بسیاری از نزاعها و خشونت‌ها بر سر همین امر نابخشودنی یا شر بنیادین است. (دریدا؛ ۱۳۸۷، ۹۵-۹۷)

۴- در نهایت آخرین شاخص دوستی مبتنی بر پذیرش مسئولیت (دوستی مسئولانه) است. دریدا اعتقاد دارد باید دیگری را به رسمیت شناخت و در مقابلش مسئول بود. دریدا با تاسی از نیچه که آزادی و مسئولیت را از ضروریات دوستی می‌شمارد که با الویت بخشیدن دیگری نسبت به خود، خود را در مقابل دیگری مسئول می‌داند. (کریچلی و دریدا و دیگران، ۱۹۹۶: ۸۲)

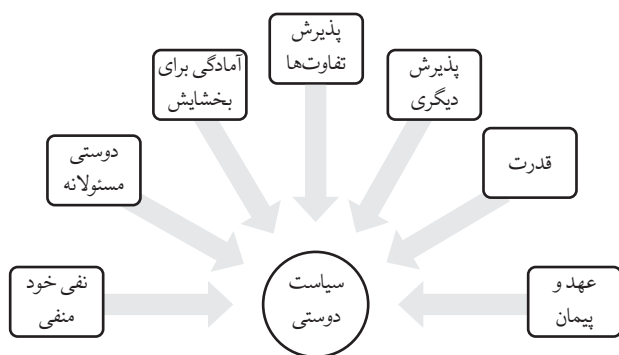
در منظومه فکری امام خمینی یکی از مفاهیم محوری «حب نفس» است. ایشان حب نفس را راس همه خطاها می‌دانند. «دقیقا راس همه خطاها، همین خودخواهیهاست و تا این خودخواهیها در بشر هست، این جنگها و فسادها و ستمگریها هست.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ۱۶۳) امام خمینی در توصیه‌های مکرر خویش حب نفس را مذمت نموده‌اند. مذمت حب نفس، «خود منفی»، هواهای نفسانی و خودخواهی در یک مفهوم ساده فراموشی خود منفی خلاصه می‌شود که در این صورت افراد در رفتار سیاسی به دنبال منافع شخصی خودشان نیستند و موجب رسیدن به وحدت و انسجام و مانع اختلاف و تفرقه می‌شود. بنابراین خودفراموشی یا «نفی خودمنفی» یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های دوستی نزد امام خمینی است.

بنابر نظریات دومتفکر و همچنین امام خمینی «سیاست دوستی» براساس محورهای اصلی زیر با اندکی جرح و تعدیل در اندیشه متفکر موردی پژوهش پیگیری خواهد شد. با محورهای اصلی مستخرج نظام پرسش‌ها برای استنتاج از متفکر و سپس تحلیل داده‌ها تدوین شده است.

۱- عهد و پیمان (وفای به عهد) ۲- قدرت ۳- پذیرش تفاوت‌ها ۴- پذیرش دیگری ۵- آمادگی برای بخشایش ۶- دوستی مسئولانه ۷- نفی خود منفی

1. other

2. forgiveness



نمودار ۱- سازه نظری-شاخصه های سیاست دوستی

نظام پرسش ها

- ۱- عهد و پیمان چگونه با سیاست دوستی مرتبط می شود؟
- ۲- مفهوم قدرت چگونه به سیاست دوستی در اندیشه سیاسی منجر می شود؟
- ۳- پذیرش تفاوت ها چگونه می تواند به سیاست دوستی بیانجامد؟
- ۴- آیا در دستگاه فکری متفکر پذیرش دیگری و دیگرخواهی پذیرفته شده است؟
- ۵- بخشایش و بخشودگی در اندیشه سیاسی متفکر چگونه می تواند به سیاست دوستی منجر شود؟
- ۶- دوستی مسئولانه یا مبتنی بر وظیفه چگونه به سیاست دوستی می انجامد؟
- ۷- نفی خود منفی یا خود فراموشی در اندیشه سیاسی چگونه به سیاست دوستی منتهی می شود؟

رویکرد و روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر تفسیری و هرمنوتیک است. هرمنوتیک یا به نیت مولف و کنشگر توجه دارد یا به باورهایی که ذهن یک مولف و کنشگر را شکل می دهد. زبان، فضای زندگی، تجربه زندگی و تفسیر آنها، از عناصر اصلی رویکرد هرمنوتیک است. (منوچهری ۱۳۷۹؛ ۱۲۰-۱۲۵) شلایر ماکر به درستی پدر علم هرمنوتیک جدید محسوب می شود و هرمنوتیک را در فضایی دینی به کار برده است؛ قرائت وی در باب کاربرد هرمنوتیک در متن نوشتار است نه هرمنوتیک در علوم انسانی یا موارد مشابه.

نظریه هرمنوتیک شلایر ماکر دارای دو کانون عمده است: ۱- فهم دستوری یا ۲- نبوغ خلاق وی. در نوع دستوری کار مفسر بررسی رابطه گفتار با زبان است؛ شلایر ماکر هدف از فهم را، بازسازی حیات ذهنی مولف می داند. اصلی که این بازسازی چه نحوی و چه روان شناختی را ممکن می سازد اصل «دور



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة ترانست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش های پای جهان اسلام

۳۴

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲



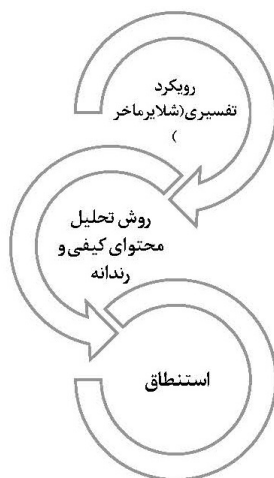
فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای یابی جهان اسلام

هرمنوتیکی» است. (برزگر ۱۳۹۳: ۲۴-۲۷) دردور هرمنوتیکی شلایرماخرکل از روی اجزا و بخشهای اجزا، از روی کل درک می شود. یک سر فهم کل و سر دیگر آن جزء یا اجزاست. دور هرمنوتیکی بادور باطل متفاوت است. دردور هرمنوتیکی، کل و جزء در هر دور تکراری متحول می شود و در این دورکل و جزء به طور مرتب تغییر می کنند و بااطلاعات بیشتر و جدیدتری روبرو می شوند. دور هرمنوتیکی تنها یکبار صورت نمی گیرد بلکه این رفت و برگشت ها در ذهن مفسر مکررانجام می شود تا زمانی که ذهن وی به رضایت و فهم قابل قبول برسد. زمانی دوربه پایان می رسدکه گردش اطلاعات جدیدی در رفت و برگشت ها صورت نپذیرد. لذا دلیل ترجیح قرائت شلایرماخر بر سایر قرائت ها هم به جهت قرابت متفکر موردی پژوهش و هم به دلیل تجزیه و تحلیل متون است.

روش های کیفی بیشتر با تولیدتوصیف های استدلالی و کشف معناها و تفسیرهای کنشگران سر و کار دارد. در روش کیفی معمولاً آمیختگی طولانی وعمیقی بادیای مولف یا متن وجود دارد (بلیکی ۱۳۹۹: ۳۰۱) همچنین رابطه محقق و متن دیالکتیکی یارفت و برگشتی است. محقق در این روش حین اینکه فاصله خود را با داده ها، متن و پژوهش حفظ می کند، نقش فعال نیز دارد. (ذکایی ۱۳۹۹: ۵۳) روش تحلیل متن یا محتوا و یافتن نظم فکری و اندیشه متفکر به صورت قدم به قدم صورت می گیرد. باردن یکی ازکارکردهای مهم تحلیل محتوا راکارکرد اکتشافی آن می داند. (برزگر ۱۳۹۳: ۱۳) دراین روش محقق می کوشد تاخطوط اصلی متن راشناسایی وخطوط فرعی را به آن هاپیوند دهد تا نظم فکری متفکدرزمینه موضوع مورد بررسی را دستگاه مند سازد. دراین پژوهش به طور ویژه از روش تحلیل محتوای رندانه و میان بر استفاده شده است. یکی از شیوه های میان بر یارندانه در تحلیل محتوای کمی بدون شمارش عددی واژگان برای پی بردن به کانونی بودن، توجه به کاربرد واژه هایی چون «مکرا بیان کرده ام»، «کرارا گفته ام»، «تاکید می کنم»، «هر و... همیشه» است. در واقع با شمارش کمی به «محور بودن»، «کانونی بودن» و «تکرار پذیری» آن مطلب در زبان و اندیشه سیاسی متفکران هم به اقرار و اعتراف خود متفکران پی می بریم. روش تحلیل محتوای کمی و کیفی به دنبال شمارش و فراوانی واژه ها و مضامین و قرار گرفتن آن ها در جایگاه های خاص به کشف و اثبات کانونی بودن آن در ذهن متفکر بپردازد. در واقع شمار و کمیت زیاد واژه ها دلالت بر اهمیت آن نزد اندیشمند دارد. روش تحلیل محتوای میان بر فوایدی دارد. اول آنکه بی نیاز به شکار فراوان و شمارش داده در حجم زیاد است. دوم آنکه حاصل نتیجه گیری ها و محور یابی تحلیل محتوای متعارف، ظنی پژوهشگر است؛ در حالی که در روش تحلیل میان بر بیان کانونی بودن آن در ذهن متفکر از سوی خود متفکرانجام می شودو به این دلیل از استحکام بیشتری در مقام شکار داده ها



برخوردار است. زیرا بر مبنای اقرار و اعتراف صریح خود متفکر انجام می‌شود. سوم آنکه در مقام داوری و روایی و اعتبار سنجی یافته‌های آن هم تحصیل حاصل است و از عبارت صریح خود کنشگر گرفته شده است در حالی که در روش تحلیل محتوای مرسوم این روایی خود نیازمند آزمون کفایت اعتبار است. این نوع خاصی از روش تحلیل محتواست که در این دسته از متفکران شفاهی به کار می‌رود. (برزگر؛ ۱۴۰۲: ۳۹-۵۱) درنهایت در پژوهش حاضر روش استنتاج متن نیز بهره گرفته شده است. در روش استنتاج اول آنکه پرسشها از ادبیات نظری غرب در موضوع خاص استخراج می‌شود، دوم آنکه پاسخ آن پرسش‌ها از منابع و متفکران غربی اخذ نمی‌شود، سوم آنکه نظام پرسشهای استخراج شده بر متون دینی و آرای متفکران اسلامی عرضه می‌شود و چهارم آنکه پژوهشگری کوشد خود پاسخ فرضی آنان در قبال این پرسش‌ها را تدوین کند، گویی در میزگردی علمی، گفتگوی علمی و مصاحبه‌ای حضوری بین متفکران برقرار شده است؛ پرسش و پاسخ و به عبارت بهتر استنتاج صورت می‌گیرد. این فرآیند ظرافت‌های کوچکی دارد که باید مد نظر قرار گیرد. محمد باقر صدر در کتاب اقتصادنا و دیگر آثار خود از روش استنتاج بهره برده و اصل آن از عبارت تجویزی امام علی (ع) است «ذلک القرآن فاستنتقواها». در اینجا محقق با طراحی سازه نظری ترکیبی و روش ترکیبی بر قدرت حساسیت نظری خود در پژوهش میافزاید. با طراحی نظام پرسش‌ها منطبق با محورهای اصلی استخراج شده جهت کندوکاو بیشتر و تعمق در مفهوم دوستی، دستگاه فکری اندیشمند مورد مطالعه را در دستور کار قرار میدهد.



نمودار ۲- الگوی روشی پژوهش

الف- دوستی مبتنی بر عهد و پیمان (قول و تعهد)

عنصر قوام دهنده عمل در نظر آرنت است عهد و پیمان است. وی عهد بستن، پیمان یا قول را نوعی اخلاق می داند و آن را مستقیماً از همزیستی با دیگران و با هم بودگی در عمل کردن محسوب می کند. یکی از مفاهیم مهم و پرکاربرد در گفتار و نوشتار امام خمینی، تعهد، پیمان و وفای به عهد است. وفای به عهد و پیمان، که یکی از فرایض و از جمله آداب معاشرت و حسن سلوک با مردم به شمار می رود، باید همیشه مورد توجه افراد باشد. این وفای به عهد در برابر دیگران را امام خمینی با عبارت «تعهد به اسلام» نیز بیان می کنند. ایشان در توصیه خود به طلاب داشتن صلح و صفا و برادری را توأم با وفای به عهد می دانند؛ به طوری که وفای به عهد نسبت به دیگران موجب وفای به عهد با خداوند خواهد شد. ایشان همچنین در کنار توصیه به وفای به عهد به کنار گذاشتن اختلافات نیز توصیه می کنند «وفا کنید به عهد من تا به عهد شما وفا کنم.» (بقره- ۴۰) نیز می شود. «با هم صلح و صفا داشته باشید، دستبندی و اختلافات را کنار بگذارید، با هم برادر باشید... و اگر شما به عهد خود وفا کنید، خدای تعالی هم وفای به عهد خواهد کرد.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۱۲)

امام خمینی در صحبت با قوای مسلح شعار ملت را برادری دانسته که ارتش آن را پذیرفته و در کنار مردم بوده است و از خداوند می خواهند که آنان بر عهدی که با ملت بستند وفادار بمانند. «از جمله غلبهها قضیه اتصال شما برادران بر ملت بود که در آن روز شعارهای ملت، دعوت شما به برادری بود و شما هم پذیرفتید و در کنار برادرانتان تا امروز مشغول جهاد مقدس هستید... و من امیدوارم که شما و همه ما و همه ملت به عهد خودشان و برای خدای تبارک و تعالی باقی باشند...» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۹، ۱۶۱)

امام خمینی تعهد را هم ردیف تعاون و همکاری که سبب برطرف کردن نیازهای یکدیگر است، می داند؛ لازمه این امر کنار هم بودن و با هم بودن است و این دو با هم سبب حفظ کشور از آسیب ها می شود. «تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ۴۵۱) ایشان هم پیمان بودن و وفای به عهد داشتن را مساوی با دوستی با یکدیگر و با آحاد ملت دانسته اند. «شما همه باید با هم همدست و هم پیمان باشید؛ همه دوست هم باشید، دوست ملت باشید...» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۶، ۳۹۱)

برای امام خمینی تعهد و پیمان در جهان اسلام نیز مهم است چنان که به اعراب توصیه می کنند. «پیام من برای برادران عرب و مسلمان این است که بیایید اختلافات را کنار بگذارید و دست برادری به یکدیگر



بدهید و همگام و هم پیمان با همه برادران مسلمان غیر عرب، تنها اسلام را تکیه گاه خود قرار دهید.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۵، ۸۳) همچنین در توصیه به کشورهای اسلامی اذعان می دارند: «میخواهیم کشورهای اسلامی در کنار هم با تعهد اسلامی به دفاع از حقوق مسلمین و کشورهای اسلامی در مقابل متجاوزان و متجاسران مانند اسرائیل تجاوزگر بایستند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ۱۵۹) بنابراین عهد و پیمان مدنظر آرت مترادف مفاهیم تعهد، وفای به عهد، پیمان، از شاخصه های دوستی مدنی در منظومه فکری امام خمینی است و این مفاهیم و شاخصه ها می توانند به تولید سیاست دوستی در اندیشه ایشان منتهی شود.

ب- دوستی مبتنی بر قدرت

به نظر هانا آرت قدرت آن چیزی است که حیطه عمومی انسان هایی که با هم عمل می کنند شکل می دهد و شرط بقای قدرت را «باهم بودن انسان ها برای عمل کردن» می داند.

قدرت به معنای باهم بودن انسان ها برای عمل کردن در فضای فکری و گفتار امام خمینی با مفاهیمی مانند «وحدت و اتحاد» معنا پیدامی کند. یکی از مفاهیم محوری در اندیشه امام خمینی وحدت است. وحدت بین مردم، وحدت بین مردم و مسئولین، وحدت بین مسلمانان و کشورهای اسلامی. به طوری که ایشان رمز پیروزی ملت و کشورهای اسلامی را وحدت می دانند. «ما همه برادر هستیم و همه با هم باید باشیم. رمز پیروزی ما همین وحدت کلمه و هم پیوستگی ما به هم بود. این رمز را حفظ کنید، این وحدت را حفظ کنید....» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۶، ۴۱۷)

امام خمینی در جمع دانشجویان دانشگاه تهران وحدت را حائز اهمیت دانسته و حفظ آن را رمز حقیقی ایمان می داند: «من امیدوارم که این وحدت محفوظ بماند برای ما، با وحدت کلمه همهمان با هم - همه با هم - با حفظ آن رمز حقیقی که ایمان است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۷، ۲۱۹)

ایشان لازمه دوستی و محبت را وحدت بین کشورهای مسلمان می دانند و عدم وجود اتحاد و یگپارچگی بین آنها را مشکل بزرگ جوامع اسلامی می دانند. «مشکل بزرگ، حکومت های ماست که نمیگذارند وحدت حاصل شود؛ و آنها میخواهند منافع خودشان را تأمین کنند. از این جهت که شما میخواهید اطاعت امر خدا را بکنید، نهی از منکر کنید، حکومتها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند، و با دشمنان اسلام - که خدا فرموده مراوده نکنیم - محبت میکنند. همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم، و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم. با وحدت، و بودن زیر پرچم «لا اله الا الله» پیروز میشویم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۷، ۱۸۷)



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام

۳۸

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲



فصلنامه علمی-پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

امام خمینی بر لزوم حفظ وحدت بین مسئولین و مسئولین با آحاد مردم تاکید داشتند. ایشان در توصیه به استانداردها لزوم حفظ وحدت بین خودشان و مردم را یادآوری می کنند. «آقایان استاندارها باید توجه کنند که وحدت خودشان را و وحدت خودشان با ملت را حفظ کنند،» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۲۰، ۲۵۲)

امام خمینی به طور مکرر بر اهمیت با هم بودن، حفظ انسجام و یکپارچگی تاکید دارند و به سران کشورهای اسلامی می گویند: «کرارا دولتهای اسلامی را دعوت به اتحاد و برادری نمودهام.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۲، ۴۸۸) در توصیه اکید به دولت های منطقه وحدت و یکپارچه بودن را عامل قدرت می دانند به طوری که قدرت دشمنان در مقابل این اتحاد بی معنا خواهد شد. «تا کنون کرارا ما به این دولتهای منطقه تذکر داده ایم که ما با شما نمیخواهیم بجنگیم. ما میخواهیم همه آنها با هم به این کشورهای اسلامی و خصوصا اینهایی که در منطقه هستند برادر باشیم. میخواهیم همه آنها با هم دست به هم بدهیم و خدای تبارک و تعالی آن قدر مقدورات به این کشورهای اسلامی داده است، اگر بفهمند این حکومتها و توجه به مسائل پیدا بکنند، قدرتی هستند که در مقابل آنها قدرت دیگری اندک است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ۳۹۲)

تاکید های مکرر امام خمینی بر لزوم داشتن «اتحاد و وحدت» بین ملت و ممالک اسلامی حکایت از کانونی بودن مسئله وحدت در منظومه فکری وی دارد به طوریکه انسجام و باهم بودن را موجب بدست آوردن قدرتی در برابر قدرت های برتر جهان می دانند به طوریکه قدرت آنان نا چیز خواهد شد. لذا به طور کلی می توان گفت قدرت به معنای وحدت و اتحاد در فلسفه سیاسی امام خمینی می تواند فضای شکل گیری عمل باهم بودگی را تولید کند. این فضا و این محیط، یعنی محیط شکل گیری عمل، فضای تولد دوستی مدنی است.

ج- دوستی مبتنی بر پذیرش تفاوت ها

به نظر دریدا دوستی واقعی با پذیرش تفاوت ها تحقق می یابد و بر خلاف ارسطو به جای تاکید بر مشابهت ها پذیرش تفاوتها را حیاتی می داند. پذیرش تفاوت در اندیشه امام خمینی تفاوت و تنوع در نژاد، قوم، زبان معنا و مفهوم پیدا می کند. ایشان بین نژاد ها تفاوتی قائل نیست و همه را انسان و مخلوق خداوند می داند. ایشان در دیدار با گروهی از بانوان اهوازی اذعان می دارند: «این پیام مربوط به همه است. اسلام، ما بین عرب و عجم و ترک و کرد، هیچ فرقی نگذاشته است و ما مفتخریم که اسلام از میان عرب برخاسته، و در عین حال عرب را بر عجم و عجم را بر عرب برتری نداده است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۷، ۳۵۳)



تنوع و تکثر آرا موجب پویایی جوامع سیاسی و مدنی است. امام خمینی اختلاف نظر و سلیقه را هم مانع دوستی مدنی نمی‌داند. با وجود تنوع و تکثر عقاید توصیه به دوستی می‌کنند. «البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دورای هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمیشود که انسان با هم خوب نباشد... اگر در يك ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در يك مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹ ج ۲۱، ۴۸)

عدم برتری نژادی در اندیشه و عمل امام خمینی مشهود است، ایشان بین ملت‌های مسلمان هم تفاوتی قائل نیست. «ما بین آن مسلمی که در حبشه است، با آن مسلمی که در اینجاست نمیتوانیم فرق بگذاریم، اسلام نگذاشته اینهارا فرق بگذاریم. همه مثل هم هستند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹ ج ۱۹، ۴۸۶)

نظرات امام خمینی برگرفته از دینی است که بین ابناء بشر هیچ تفاوتی نمی‌بیند. ایشان تمدن الهی و اسلامی را تمدنی می‌داند که «آنکه همه اقشار بشر را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمیگذارد مگر اینکه به تقوا. میزان تقوا است، میزان انسانیت است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹ ج ۶، ۳۴۴) ایشان بین طوایف و اقوام قائل هیچ گونه مرزی قائل نیستند «کرارا عرض کردیم به همه برادرهای کردمان که آمدند اینجا، برادرهای بلوچمان که آمدند اینجا، که اسلام این طور مرزهایی که در سایر مسلکها هست ندارد... نسبت به همه عرب و عجم و کرد و ترک و اینها به طور علی السواء همه نظر دارد. فرق نگذاشته است بین این ناحیه که کرد مینشینند؛ آن ناحیه که ترک مینشینند؛ آن ناحیه که عرب هست؛ آن ناحیه که عجم است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹ ج ۱۰، ۲۹۲)

تاکید امام بر عدم تفاوت بین قوم‌ها و نژادها همانطور هم که مکرر گفته اند نشان از محوری بودن شاخصه پذیرش تفاوت در فلسفه سیاسی ایشان است. بنابراین پذیرش تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی و ... می‌تواند برای ایجاد سیاست دوستی فضا گشایی نموده و مبنای نظری برای عمل در کشور و منطقه قرار گیرد.

د- دوستی مبتنی بر پذیرش دیگری

محور اساسی سیاست دوستی از منظر دریدا پذیرش دیگری است بدین معنا که وجود دیگری بدیهی و ناگزیر است و به عقیده وی آنچه اهمیت دارد نحوه مواجهه ما با دیگری است. با توجه به مرزبندی‌هایی که امروزه در ایران میان ما و دیگران بوجود آمده و همچنین غیریت‌سازی‌های صورت گرفته از سوی

برخی از کشورهای اسلامی در دنیای اسلامشناسایی انواع دیگری در جامعه مدنی و پیگیری نوع نگاه امام خمینی به دیگری ها ضروری است. امام خمینی در قوانین جمهوری اسلامی به واسطه روحیه دیگرخواهی و دیگرپذیری برای تمامی اقلیت ها بویژه اقلیت های دینی حق و حقوقی قائل هستند. ایشان در توصیه به همه اقشار ملت می گویند: «و من به همه اقشار ملت عرض میکنم که در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه، اشخاص گروههای مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیر ترک امتیازی ندارند... اقلیتهای مذهبی حقوقشان رعایت میشود. برای همه اقشار احترام قائل است. کردها و سایر دستجاتی که هستند و زبانهای مختلف دارند، اینها همه برادرهای ما هستند و ما با آنها هستیم و آنها با ما هستند؛ و همه اهل یک ملت و اهل یک مذهب هستیم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۶، ۴۶۲)

از دیگر مصادیق پذیرش دیگری در اندیشه امام خمینی دیگرپذیری مذهبی است. پذیرش سنی مذهببان در کنار شیعیان: «ما همه برادر هستیم؛ ما با اهل سنت برادر هستیم و ما نباید- بعضیمان بر بعض دیگر آقایی کنیم؛ نباید حقوق بعضیها را ملاحظه نکنیم... در قانون هم همه اقشار حقوقشان ملاحظه شده است... هیچ فرقی ما بین گروه و گروهی در اسلام نیست؛ فقط به تقوا و به اتقاء عن الله تعالی فرق است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۶، ۴۶۳)

دیگرپذیری در نظر امام خمینی برگرفته از سنت پیامبر اسلام است و آن را شاخصه محبت و دوستی می دانند آنطور که پیامبر نسبت به همه محبت داشتند. «یک انسانی باشید که به همه عالم محبت داشته باشید. پیغمبر اکرم این طور بوده که حتی کفار را هم وقتی که ملاحظه میفرمود که اینها مسلم نمیشوند، غصه میخورد برای آنها که چرا باید اینها مسلم نشوند و بعد به آن شقاوتها و به آن عذابها برسند. کوشش کنید که با خواهران خودتان، با برادران خودتان، با محبت باشید؛ علاقهمند باشید.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ۲۴۷)

در اندیشه سیاسی امام خمینی پذیرش و احترام نسبت به اقلیت های مذهبی از موارد کانونی و موکد است. «ما کرارا این مطلب را گفتیم که اسلام نسبت به اقلیتهای مذهبی احترام قائل است و آنها در این مملکت ما آزادند و حتی حق رأی دارند، حق تعیین وکیل دارند. و اسلام همیشه با آنها به طور مسالمت رفتار کرده است و حتما زندگی آنها در حکومت اسلامی بهتر از الانشان است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۵، ۴۳۳). همچنین ایشان در سخنرانی در جمع اهالی عجب شیر و جوارود در مورد دیگری های نژادی که می خواهند بوجود آورند و غیریت سازی کنند، آن ها را چون خود می دانند و می



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۴۲

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

گویند: «من کرارا در خطابهائی که ایراد کردم و در نوشته‌هایی که داشتم دو مطلب را رویش تأکید کردم. يك مطلب اینکه در اسلام نژاد، گروه، دستجات، زبان، این طور چیزها مطرح نیست. اسلام برای همه است و به نفع همه. و ما با شما برادر هستیم به حکم قرآن، به حکم اسلام؛ و از هم جدا نیستیم. با کردها، با ترکها، با بلرچها، همه برادر و باید با هم زندگی کنیم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۹، ۳۶۰)

در نتیجه در منظومه فکری امام خمینی پذیرش انواع دیگری بر مبنای قواعد و قوانین اسلامی پذیرفته شده است و همین دیگر پذیری و دیگر خواهی که مکرر اذعان داشته اند، منجر به دوستی، محبت و برادری از نظر ایشان می شود و محیط تشکیل دوستی مدنی را فراهم می آورد.

ه- دوستی مبتنی بر آمادگی برای بخشایش

دریدا در چارچوب سیاست دوستی، بخشایش را به صورت ناب خود بر مبنای تقویت خیر مشترک میان انسانها و امری غیرمشروط و شامل امر نابخشودنی تعریف می کند. بنابراین بخشایش در دوستی حتی به معنای بخشش امر نابخشودنی است. در اندیشه سیاسی امام خمینی عفو و بخشایش یکی از مواردی است که مورد توجه واقع شده. ایشان در توصیه به آحاد مردم خواستار عفو و اغماض در حیطه دوستی، نسبت به یکدیگر هستند. «از عموم ملت عظیم الشان و خصوص دولتمردان میخواهم که از تجربه تلخی که از اختلاف بعد از اتحاد اول پیروزی عبرت بگیرند، و برآن باشند که مدتی هم تجربه برادری و اتحاد را به کار برند و با محبت و رحمت همکاری و همفکری را اگر چه با تکلف هم باشد، پیشه خود قرار دهند و به کمک هم برای ساختن کشور بشتابند و نسبت به یکدیگر با عفو و اغماض رفتار نمایند. مطمئن باشند که وعده خداوند متعال بر آن است که اخوت ایمانی و دوستی و محبت با یکدیگر موجب نجات است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۳، ۵۴۳)

همچنین امام خمینی از عموم مردم تقاضا می کنند عفو را روش و منش خود قرار دهند که شیوه عطوفت و مهربانی است و با این شیوه زمینه سیاست سازی دوستی فراهم می شود «و من از عموم برادران ایمانی میخواهم که برای رضای خداوند تعالی از انتقامجویی و بهانهگیری اجتناب کنند، و به پیروی از رسول اکرم (ص) عفو و اغماض را شیوه خود قرار دهند. و من از جوانان عزیز میخواهم که از خود عطوفت نشان دهند و از شیوه احسان که مرضی خداوند است و قرآن کریم برآن تأکید فرموده، پیروی کنند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ۱۹۶)

امام خمینی حتی آمادگی برای عفو و بخشش را نسبت به سربازان ارتش بعثی عراق اعلام می دارند. ارتش بعث عراق که مصداق کامل دیگری است و به نوعی دشمن ملت و کشور ایران و غیریت ملت



مسلمان ایران بود؛ اما ایشان با آغوش باز تمایل به بخشش آنها دارند.» کسانی که از ارتش بازی خورده عراق به ایران پناهنده شوند مورد عفو و محبت و اغماض هستند و با آنان چون برادران خودمان رفتار میشود؛ و کسی حق ندارد به غیر از رفتار انسانی - اسلامی با آنان رفتار کند» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۲۱۸) دوباره می فرمایند: «پس از جنگ، در صورتی که مایل باشند، در ایران میمانند؛ و در صورتی که تقاضا کنند، آنان را به کشور خودشان با احترام برمیگردانند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ۲۱۹)

امام خمینی در مورد گذشت و عفو دیگری های که جرم کرده و آسیب به ملت رسانده اند و محبوسین یعنی «بخشش امر نابخشودنی» با تأکید می خواهند که مورد عفو و گذشت قرار گیرند. همچنین تأکید در این مسئله نشان از اهمیت و محوری بودن عفو نابخشودنی ها در اندیشه ایشان دارد. «من امروز میخواهم تأکید کنم در این امر که راجع به این محبوسین - البته به استثنای آنهایی که ما به حسب امر خدا نمیتوانیم عفو کنیم - باز تأکید کنم که زودتر این قضیه تمام بشود و رسیدگی زودتر بشود تا ان شاء الله، برای عید جدید يك عده چشمگیری از اینها و اگر میشود، همه آنهايي که میشود، آنها را عفو کرد. حالا گناه دارند، يك گناهی است که قابل عفو است، انحراف دارند انحرافی است که قابل عفو است، تهیه کنند و برای عید جدید اینها عفو بشوند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ۶۷)

لذا آمادگی برای بخشایش و عفو در اندیشه سیاسی امام خمینی یکی از شاخصه ها و محورهای کانونی است که بستر شکل گیری دوستی را فراهم کرده و می تواند منتهی به سیاست دوستی شود.

و- دوستی مبتنی بر پذیرش مسئولیت

دریدا مسئولیت را از ضروریات دوستی می شمارد که با الویت بخشیدن دیگری نسبت به خود، خود را در مقابل دیگری مسئول می داند. به عقیده وی تنها زمانی مسائل اخلاقی و سیاسی و تمام دنباله هایشان موجودیت دارند که مسئولیت محدودیت پذیر نباشد. با پذیرش دیگری و عدم انکار وی در مقابلش مسئولیت و وظیفه وجود دارد. امام خمینی ایران را محیط محبت و محیط برادری می دانند. «این محیط محبت را حفظ کنید. ایران را يك محیط محبت کنید.» (صحیفه امام، ج ۶، ۱۳۸۹: ۴۴۵) ایشان در امتداد این محبت، افراد را در برابر یکدیگر مسئول می دانند. این مسئولیت شامل مسئولیت مردم به یکدیگر و مسئولیت مسئولین نسبت به مردم می شود. ایشان درباره ارتباط محبت و مسئولیت می گویند: «همه مان مثل شبانها هستیم؛ و همه مان مسئول هستیم از این شبانها. همان طوری که میدانید شبان نسبت به آن گوسفندهایی که زیر دستش است محبت دارد، همه ما نسبت به هم این طور باید باشیم؛ مثل شبانها که گوسفندهای خودش را با محبت، بدون آزار، تربیت میکند، ما هم این طور باشیم.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۷، ۴۹۲)

در دستگاه فکری امام خمینی میان دوستی و مسئولیت نیز ارتباط متقابل وجود دارد و ایشان درباره دوستی و مسئولیت فرمودند: «دیگر قضیه، قضیه رژیم طاغوت نیست که سربازش با مردم دعوا بکند؛ سربازش برادر مردم است و برای مردم است. وقتی این طور شد، مردم هم برای شما میشوند؛ محبت متقابل است. وقتی شما محبت به مردم کردید، مردم به شما محبت میکنند. آن روزی که ارتش ایران شمشیر کشیده بود دنبال مردم، مردم هم با تمام قوا با آنها می‌جنگیدند. آن روزی که ارتش آمد توی مردم و با مردم [همدردی] کرد، گل سرش میریختند. محبت متقابل است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۸، ۳۸۱)

امام خمینی داشتن مسئولیت در برابر مردم و کشور را با خدمت کردن برابر می‌دانند. «کوشش کنید که الآن همه مسئول هستیم و باید همه از عهده این مسئولیت بیرون بیایم. و همه باید خدمت بکنیم. الآن مملکت ما محتاج به خدمت است. چه آنهایی که انسان میخواهند درست کنند و نیروی انسانی در دست آنهاست، و چه آنهایی که در قشرهای دیگر هستند؛ و شما به يك مملکتی که از خودتان باشد خودتان در آن خدمت بکنید؛ برای ملت خودتان و خودتان..» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۸، ۷۰)

ایشان در توصیه به اقشار مختلف معلمین رادارای مسئولیت سنگین می‌دانند که در نهایت شاگرد را به محبت دعوت می‌کند. «نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست. انبیا هم معلم بشر هستند؛ و مسئولیت بسیار زیاد دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که «إخراج من الظلمات إلى النور» همین سمت معلمی است. خدای تبارک و تعالی این سمت را به خودش نسبت میدهد که خدای تبارک و تعالی ولی مؤمنین است؛ و آنها را از ظلمات اخراج میکند به سوی نور. و معلم اول خدای تبارک و تعالی است که اخراج میکند مردم را از ظلمات به وسیله انبیا و به وسیله وحی مردم را دعوت میکند به نورانیت؛ دعوت میکند به کمال؛ دعوت میکند به عشق، دعوت میکند به محبت.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۹، ۲۹۲)

امام خمینی پرستاری را شغل مهمی می‌داند که با محبت خود مسئولیت هایش را انجام می‌دهد. «این شغل پرستاری از شغل‌های بسیار شریفی است که اگر چنانچه، انسان با وظایف انسانی و شرعی خودش عمل بکند، این يك عبادتی است که در تراز عبادت‌های درجه اول است. البته مسئولیت‌هایی هم دارد. انسان با يك بیماری به طور محبت، به طور برادری، به طور خواهری مراعات احوال او را بکند. شغل شما شغل بسیار شریفی است و از آن طرف مسئولیتش هم زیاد است. مسئولیتش را خود شما میتوانید جبران بکنید، به محبت کردن به مرضی. اینها احتیاج دارند به محبت، بیش از آنکه احتیاج به دوا دارند. این پرستارها با او با ملایمت، با رفتار انسانی، با محبت، مثل برادر و خواهر با او رفتار کنند.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۲، ۵۰۹)

ایشان اصلاح مملکت را در رابطه بین محبت و مسئولیت را در دانشکده پلیس می دانند. «مسئولیت دانشکده پلیس بیشتر از سایر مسئولیتهاست؛ برای اینکه اینها کارشان حساستر است. اگر از «دانشگاه پلیس» آدمهای اسلامی بیرون بیاید، آدمهایی که نسبت به مردم محبت داشته باشند بیرون بیاید، این اصلاح میکند يك مملکت را. بنا بر این، این شغل، شریفترین شغلهاست» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۸، ۹۸)

امام خمینی همچنان در برابر ملت های مسلمان مظلوم مانند فلسطین هم احساس مسئولیت می کنند و با تاکید اذعان می دارند: «همیشه بنای ما این است که درکنار برادران فلسطینی خود بایستیم و هر وقت هم قدرت پیدا کنیم، همان طوری که آنها از حقشان دفاع میکنند، ما هم مثل برادر با آنها همدوش و هم‌رزم خواهیم بود. بیت المقدس باید به مسلمین برگردد.» (صحیفه امام، ج ۴، ص: ۴۴۴)

در اندیشه سیاسی امام خمینی محبت و دوستی با وظیفه و مسئولیت ملازم است. این نوع دوستی مبتنی بر پذیرش مسئولیت می تواند دوستی مسئولانه را شکل دهد و بستر سیاست فهمی و پس از آن سیاست سازی بر مبنای دوستی را فراهم آورد.

ز- دوستی مبتنی بر نفی خود منفی

مادر بت ها بت نفس شماست

زنان که آن بت مار و این بت اژدهاست

امام خمینی ریشه همه تفرقه و اختلاف ها را حب دنیا که منشاء آن حب نفس است می دانند و نتیجه آن دشمنی است نه دوستی (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ۴۵۹) به نظر وی «کسی که از روی حب نفس به مردم و اشیاء نظر میکند و به اشیایی که نظر میکند از راه دشمنی و بغض نظر میکند؛ این نمیتواند آزاد باشد» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۹) امام خمینی باور دارند انسانی که حب نفس دارد از شناخت خود به صورت آزاد هم محروم می ماند «انسان خودش از باب اینکه حب نفس دارد و هر چه را میخواهد برای خودش میخواهد، برای خاطر این حب نفس شدید از بسیاری از امور غافل است؛ یعنی با این حب نفس نمیتواند خودش را آزاد بشناسد.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹: ج ۱۴، ص ۹) وی برای از بین بردن اختلاف و تفرقه هاتوصیه به تهذیب نفس می کنند. تهذیب نفس یا فراموشی خویشتن خویش می تواند موجب انسجام و پیروزی شود. «حالا باید همه قشرهایی که هستند، با هم دست به دست هم بدهند. دست بردارند از این حب و بغضهایی که اساسش هم همان حب نفس است. يك مقدار حب نفس را کنترلش کنند، نمیتوانند خارجش کنند، کمش کنند، موقتا کمش کنند تا این پیروزی حاصل بشود.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۱۹)

ایشان ریشه نزاع‌ها و درگیری‌ها حب نفس و خودخواهی می‌دانند و برای رفع نزاع‌ها توصیه به جهاد با نفس و «نفی خود منفی» می‌کنند که منتهی به برادری خواهد شد. «نزاع مال خودخواهی است. از نقطه نفس انسان پیدا میشود که آنها نفس را کشته‌اند. جهاد کرده‌اند. همه نزاعها برای این است که این برای خودش یک چیزی میخواهد، آن هم برای خودش یک چیزی میخواهد. اگر مردم تربیت و تزکیه بشوند همه این نزاعها از بین میرود. همه این گرفتاریهایی که برای بشر است از بین میرود. برادر میشوند همه. همان طوری که یک برادر برای برادر خودش خیر میخواهد.» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ۳۸۲)

همچنین ایشان عامل وحدت و قدرت را هم نجات یافتن از بند خود و فراموشی خود می‌دانند. «ما گرفتار یک شیطنتهایی در خودمان هستیم که کثافتکاری و پستی است. و خودتان را نجات بدهید و خودمان را نجات بدهیم. اگر از این بند نجات پیدا بکنید، آن بعدش آسان میشود، وحدت آسان میشود، اما از این بند باید نجات پیدا بکنیم، از این بند خودخواهی، هر چه هست برای خودم، خود محوری، من، نه غیر. این در همه نفوس هست مگر اینکه تهذیب بشود، همه نفوس در آنها این مسأله هست که برای اینکه فطرت الله هست» (صحیفه امام، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ۵۳۰)

امام خمینی خودخواهی و خودبینی را چاه ویل می‌دانند؛ «من» از نظر ایشان «من شیطانی» است که عامل تفرقه و از بین رفتن انسجام، اتحاد و وحدت می‌دانند و نفی آن و مهذب شدن از آن می‌تواند منجر به وحدت، یکپارچگی، محبت و در نتیجه زمینه‌ی تشکیل دوستی مدنی را فراهم کرده و سیاست دوستی صورتبندی خواهد شد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

نتیجه گیری

با وقوع رنسانس و ظهور مدرنیته در پی آن شکل گیری مکاتبی چون لیبرالیسم و نولیبرالیسم تغییر در مفاهیم صورت گرفت. در این روزگار رابطه ما با دیگران دستخوش تغییر قرار گرفت. درهمه جای دنیا انسان تنها تر شده است؛ نه قانون گرایی غربی پیوندها را محکم کرد و نه فقه گرایی اسلامی توانسته موجب بروز مودت و دوستی در دنیای اسلام شود. ظهور جنگ های فرقه ای و تولد قارچ گونه گروه های تکفیری بویژه در منطقه غرب آسیا جایی برای بروز اخلاق اسلام میر مبنای رحمت و مودت باقی نگذاشته است. لذا عصر معاصر عصری است که فلسفه و سیاست با همکاری هم هویت بیگانگی از دیگری و یک جنگ دائمی را توجیه می کنند. برای نجات انسان از تنهایی، جنگ و نزاع تنها یک راه پیش روست و آن دوستی مدنی است. حفظ دوستی های در مدینه در زمانه و گستره تفاوت ها امری دشوار به نظر می رسد اما علاج دردهای امروز ماست. بسط، گسترش و دستگاہمند کردن تئوری های سیاست دوستی در جهان اسلام و بویژه ایران اسلامی معاصر ضروری است. بر این اساس پژوهش حاضر با انتخاب امام خمینی به عنوان متفکر معاصر و مسلمان که توانست اسلام را معاصر سازی کرده و بر مبنای آن نظام سازی کند انتخاب نموده و سیاست دوستی را با شاخص های اخذ شده از هانا آرت، ژاک دریدا و امام خمینی پیگیری کرده و ادبیات سیاسی امام خمینی را روزآمد سازی نمود. بر اساس یافته های پژوهش که با شیوه استنتاج، روش ابداعی محمد باقر صدر، از متفکر موردی صورت گرفت، این نتایج حاصل شد که سیاست دوستی در منظومه فکری امام خمینی با محورهای دوستی مبتنی بر عهد بستن، قدرت به معنای باهم بودن و اتحاد، پذیرش تفاوت های نژادی و زبانی و قومی، پذیرش دیگری مذهبی، قومی و دینی، آماده بودن برای بخشیدن خطاهای نابخشودنی در دیگری ها، دوستی مسئولانه، نفی خود منفی قابلیت بحث و دستگاہمند شدن دارد. امام تعهد داشتن افراد در برابر یکدیگر و کشورهای مسلمان نسبت به هم و هم پیمان شدن آنها با یکدیگر را نشانه وحدت، محبت و برادری می دانند. دوستی مبتنی بر قدرت در منظومه فکری امام خمینی با مفاهیمی مثل وحدت، اتحاد و همبستگی معنا سازی می شود. وحدت و انسجام بین مردم، مسئولین با مردم و کشورهای اسلامی موجب شکل گیری قدرت و فضای شکل گیری عمل در فضای مشترک می شود. دوستی مبتنی بر پذیرش تفاوت در نظر امام خمینی با پذیرش تفاوت های قومی مانند کردها و زبانی مانند ترکها و نژادی مانند تفاوت قائل نشدن بین عرب و عجم منطبق می شود آن چنان که ایشان طبق قوانین اسلامی تبعیض و فرقی بین اقوام و نژادها نمی بینند. دیگرانی که توسط جامعه مدنی و برخی گروه های سیاسی ساخته شده اند در دستگاہ فکری امام خمینی به طور کامل با احترام به حقوق



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های پای جهان اسلام



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۴۸

سال سیزدهم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۲

اقلیت های مذهبی و دینی مانند ارامنه و برادران اهل سنت پذیرفته شده اند. در واقع دیگری های ساخته و پرداخته شده از سوی جامعه مدنی برای ایجاد شکاف بین اقوام، مذاهب و نژاد ها بوجود آمده که در فلسفه سیاسی امام به طور کامل مورد پذیرش قرار گرفته و ایشان دیگری ها را چون خود دانسته و پذیرا هستند. امام خمینی بخشش و عفو را شیوه و منش خود قرار می دهند و از عموم ملت تقاضا می کنند عفو را راه خود قرار دهند عفو و گذشت بر مبنای روش تحلیل رندانه از موارد کانونی اندیشه وی است. ایشان ایران را محیط محبت می دانند که باید محبت را در آن حفظ کرد. امام خمینی در این محیط آحاد ملت و اقشار مختلف جامعه را دارای مسئولیت می داند ؛ به باور ایشان ما در برابر ملت های مظلوم از جمله فلسطین مسئولیت داریم و باید برادرانه کنار آنها بمانیم. حب نفس و خودخواهی در اندیشه سیاسی امام خمینی مذموم واقع شده است به طوری که ایشان مکرر حب دنیا (که منشا آن حب نفس است) را راس همه خطاها می دانند. لذا مبدأ همه خطرها برای انسان خود آدم است، و مبدأ اصلاح هم از خود آدم باید شروع شود و زمانی که اصلاح آغاز شود و خود منفی و شیطانی نفی شود، «من مثبت» آغاز به شکل گرفتن می کند. من مثبت و مذهب شروع به خودسازی می کند و پس از آن می تواند وارد سیاست شده و بر مبنای پرهیز از اختلافات و نزاع ها شروع به جامعه سازی کند. جامعه سازی منهای درگیری و نزاع منجر به انسجام و وحدت می شود و به نظر ایشان محیط و بستر محبت شکل می گیرد. بر اساس یافته های پژوهش و وجود شاخصه های دوستی بر اساس الگوی نظری طراحی شده گام اول در سیاست فهمی دوستی درون دستگاه فکری ایشان برداشته شد؛ پس از آن ، مقدمات سیاست سازی دوستی فراهم می شود. زمانی که سیاست دوستی در عمل محقق شود و دوستی مدنی شکل بگیرد، امکانات اجرای عدالت فراهم شده و اجرای عدالت نیز موجب ایجاد انسجام اجتماعی، آزادی بیان و دیدگاه ها شده و بستر نقد سیاست ها به دور از هرگونه بغض فراهم می شود. با این بستر سازی سرمایه اجتماعی افزایش می یابد و دشمنی که وجه دیگر امر سیاسی است روند کاهشی پیدا کرده و رفته رفته از بین می رود ؛ در نهایت سیاست دوستی جایگزین تخاصم و درگیری می شود. دوستی عامل توافق سیاسی و پیش زمینه سیاست است، در جهان اسلام نیز موجب مهار اندیشه های تکفیری و رفتارهای جهادی می شود. دوستی تابع بزرگ ترین شکل ارتباط یعنی جامعه است و برای منافع عمومی موضوعیت پیدا می کند. دوستی نوعی قربت است، نزدیکی است، ضرورتی دینی است و برای اهداف دین یعنی زندگی متعالی بشر به خدمت گرفته می شود. به طوریکه در منظومه فکری و عملی امام خمینی سیاست تقریب بین مذاهب اسلامی، به بیان ملموس تر وحدت بین شیعه و سنی طراحی شد. همچنین یکی از مصادیق عینی و ملموس سیاست

دوستی در اندیشه امام خمینی تدوین منشور برادری است. به صورتی که ایشان احزاب و جناح های سیاسی را دعوت به دوستی و برادری می کنند. در مجموع سیاست دوستی با شاخص های اکتشافی در فلسفه سیاسی امام خمینی می تواند مبنای سیاست فهمی و در پی آن سیاست سازی در ایران و جهان اسلام قرار گیرد و موجبات کاهش نزاع ها، درگیری ها و در نهایت دشمنی رافراهم نماید. همچنین با این سیاست می توان در نظریه سازی و روزآمدسازی و سیاست سازی دوستی مدنی در قرن معاصر گامی نو و موثر برداشت و آن را به صورت یک کل منسجم بهم پیوسته ارائه کرد.



کتابنامه

قرآن کریم

- امام خمینی - وصیت نامه سیاسی الهی (۱۳۷۸) تهران. موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- امام خمینی - صحیفه نور (۱۳۸۹) جلد ۱ تا ۲۲، تهران، موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- آرنت، هانا (۱۳۸۸) ریشه های توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، ثالث.
- آرنت، هانا (۱۳۹۰) وضع بشر، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.
- آرنت، هانا (۱۳۹۴) حیات ذهن، ترجمه مسعود علیا، تهران، ققنوس.
- آرنت، هانا (۱۳۹۸) آیشمن در اورشلیم، ترجمه زهرا شمس، تهران، برج.
- امیر محلاتی، محمدجعفر (۱۴۰۰) دوستی در سپهر اندیشگی شرق و غرب، تهران، طرح نو.
- امیر محلاتی، محمدجعفر (۱۳۹۹) دوستی به مثابه جهان بینی، تهران، هر مس.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳) اندیشه سیاسی امام خمینی، سیاست به مثابه صراط، تهران، سمت.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۵) رهیافت بومی سازی علوم سیاسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- برزگر، ابراهیم (۱۴۰۲) صراط، سیاست سازی و سیاست فهمی در اندیشه آیت الله خامنه ای، تهران، انقلاب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹) ساختار فهم اندیشه سیاسی در اسلام، دوفصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۲، پاییز و زمستان.
- بحرانی، مرتضی (۱۳۹۳) بدایت و نهایت دوستی مدنی در فلسفه فارابی فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی سال ششم شماره ۲۲، زمستان.
- بحرانی مرتضی و شکوری ابوالفضل (۱۳۸۷) بررسی زبانی نسبت دوستی و ریاست در اندیشه ی سیاسی فارابی فصلنامه تحقیقات فرهنگی سال اول شماره ۴ زمستان.
- بحرانی، مرتضی و علوی، پور محسن (۱۳۹۶) "دوستی" در سنت فلسفه ی سیاسی اسلامی فصلنامه حکمت، معاصر سال هشتم شماره اول بهار.
- بحرانی مرتضی (۱۳۹۴) دوستی مدنی و نوع مدینه نزد فارابی دوفصلنامه دانش سیاسی، سال یازدهم شماره اول بهار و تابستان.
- بلیکی، نورمن (۱۳۹۹) ترجمه حسن چاوشیان، طراحی پژوهش های اجتماعی، تهران، نشر نی.
- بیات سرمدی، وحید (۱۴۰۱) مفهوم دوستی در اندیشه سیاسی ابن مسکویه رازی و خواجه نصیر الدین طوسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱) روش شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- دریدا، ژاک (۱۳۸۷) جهان وطنی و بخشایش، ترجمه امیر هوشنگ افتخاری راد، تهران، گام نو.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۹۹) هنر انجام پژوهش کیفی: از مسئله یابی تا نگارش، تهران، آگاه.
- شهیدی نیا، علی (۱۴۰۲) سیاست دوستی در نگاه دولت سید محمد خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۷۶) براساس نظریه دریدا، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، سال هفدهم، شماره ۶۲، بهار.
- عزیزالهی، فهیمه (۱۳۹۶) دوستی فکری و همبستگی اجتماعی: بررسی مقایسه ای آرای ژاک دریدا و یورگن هابرماس، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی - دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های سیاسی جهان اسلام

۵۰

سال سیزدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۲

علوی پور، محسن و همکاران (۱۳۹۸) دوستی در تاریخ اندیشه سیاسی غرب، روزنه، تهران.

علوی پور، محسن (۱۳۸۸-۱۳۸۷) دوستی در اندیشه سیاسی و روان درمانی، دو فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست نظری دوره جدید شماره پنجم، زمستان و بهار.

علوی پور، محسن (۱۳۹۵) نقد دریدا بر روایت‌های دوستی در تاریخ اندیشه سیاسی فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی سال هفتم شماره ۴۶ تابستان

منوچهری، عباس (۱۳۹۴) رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت.

منوچهری عباس (۱۳۸۸) دوستی در اندیشه سیاسی روایتی پارادایمی تحقیقات سیاسی و بین المللی پیش شماره ۳ پاییز،

منوچهری عباس (۱۳۸۴) دوستی در اندیشه سیاسی پژوهش علوم سیاسی، شماره ۱، پاییز و زمستان

منوچهری عباس (۱۳۸۴) دوستی در فلسفه سیاسی دو فصلنامه پژوهش علوم سیاسی شماره اول

مرتضوی رحمان (۱۳۸۸)، فلسفه سیاسی دریدا - پایان نامه ی کارشناسی ارشد فلسفه ی غرب دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان.

منابع لاتین

Derida, Jacque (1988), The Politics of Friendship, Journal of Philosophy.

Derrida, Jacques (1997). The Politics of Friendship, London, Verso.

Derida, Jacque (2005), 1 London New York George Collins, Verso,

Nixon, john (2015) Hannah Arendt and the Politics of Friendship, Bloomsbury Academic.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۳۰۳۰۲

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

شریف، طاهره؛ برزگر، ابراهیم؛ خرمشاد، محمدباقر؛ قادری، نفیسه سادات (۱۴۰۲)، «سیاست دوستی در اندیشه سیاسی امام خمینی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۳، ش ۳، پاییز ۱۴۰۲، صص ۲۵-۵۱.